

تامین گاز از ترکمنستان و روسیه؛ دو مسیر برای مدیریت ناترازی انرژی



تنظیم می‌کند. بنابراین، هرچند سوآپ با ایران برای این کشور یک مسیر مفید است، اما نمی‌توان آن را یک تعهد بدون نوسان دانست. مسئله قیمت، زمان‌بندی تحویل، و سطح تولید داخلی ترکمنستان از جمله متغیرهایی هستند که می‌توانند بر پایداری این مسیر اثر بگذارند. از منظر ایران، ترکمنستان بیشتر نقش «مسکن فوری» را دارد تا یک راه‌حل راهبردی بلندمدت.

ترکمنستان؛ مسیر فوری برای ناترازی

شمال

اهمیت ترکمنستان برای ایران در این است که مسئله را از سطح شعار و تفاهم‌نامه پایین می‌آورد و به سطح جریان واقعی گاز می‌رساند. هر حجمی که از این مسیر وارد شبکه شود، می‌تواند در استان‌های شمال‌شرق و شمال کشور به کاهش فشار مصرف کمک کند و در نتیجه، میزان محدودیت‌های فصلی بر بخش خانگی و صنعتی را کم کند. همین ویژگی، ترکمنستان را به مهم‌ترین گزینه کوتاه‌مدت تهران تبدیل کرده است.

اما این همکاری یک محدودیت ساختاری دارد: ظرفیت آن هرچند قابل توسعه است، اما به‌تنهایی نمی‌تواند همه ناترازی کشور را پوشش دهد. ایران برای عبور از بحران

انتقال پایدار گاز روسیه، ایران باید علاوه بر توافق سیاسی، درباره قیمت‌گذاری، تعرفه ترانزیت، ظرفیت ایستگاه‌های پمپاژ و پایداری مسیر نیز به جمع‌بندی برسد.

روسیه؛ گزینه راهبردی اما مشروط به زیرساخت و قیمت

روسیه از منظر ظرفیت تولید، شریک کم‌نظیری برای ایران است. این کشور مازاد گاز دارد، تحت فشار تحریم است و به دنبال مسیرهای جدید برای فروش و ترانزیت انرژی می‌گردد. از همین زاویه، همکاری گازی با ایران می‌تواند برای هر دو طرف سودآور باشد. ایران از گاز وارداتی برای مصرف داخلی و تقویت موقعیت ترانزیتی بهره می‌برد، و روسیه نیز راهی برای تنوع‌بخشی به بازارهای خود پیدا می‌کند.

با این همه، مسیر روسیه به ایران، پیچیده‌تر از همکاری با ترکمنستان است. وابستگی به آذربایجان، حساسیت‌های ژئولیتیک، و لزوم نوسازی برخی بخش‌های زیرساختی، همه باعث می‌شوند که این پروژه در کوتاه‌مدت به اندازه سوآپ ترکمنستان قابل اتکا نباشد. افزون بر این، هنوز فرمول نهایی قیمت‌گذاری و جزئیات اجرایی آن به‌طور کامل روشن نشده است. بنابراین، در وضعیت فعلی باید روسیه را بیشتر یک پروژه استراتژیک دانست تا یک منبع فوری تأمین.

اثر این دو مسیر، فقط در تراز گاز کشور دیده نمی‌شود، بلکه مستقیماً بر صنایع بزرگ هم اثر دارد. هر مقدار گازی که برای شمال یا برای سوآپ اختصاص داده شود، به همان نسبت بر خوراک پتروشیمی‌ها، متانول‌سازها و صنایع فولادی اثر می‌گذارد. از این رو، بحث تأمین گاز از ترکمنستان و روسیه، فقط یک موضوع انرژی نیست؛ بلکه به زنجیره تولید، صادرات غیرنفتی، درآمد ارزی و حتی ثبات بازار سرمایه هم گره خورده است.

در جمع‌بندی می‌توان گفت ترکمنستان، گزینه عملیاتی و فوری ایران برای مدیریت ناترازی گاز است، در حالی که روسیه بیشتر نقش یک پروژه راهبردی برای آینده را دارد. اولی می‌تواند همین امروز در شبکه اثر بگذارد، و دومی در صورت حل گره‌های سیاسی و فنی، می‌تواند جایگاه ایران را در معادلات انرژی منطقه ارتقا دهد. برای گزارش‌های اقتصادی و انرژی، نقطه کانونی تحلیل باید همین تفاوت باشد: یکی برای عبور از زمستان، دیگری برای بازتعریف موقعیت ایران در نقشه گاز منطقه.

آگهی مناقصه عمومی (نوبت سوم)

شهرداری لوندویل در نظر دارد امورات مربوط به خدمات عمومی شهری (جمع‌آوری زباله، رفت و روب معابر عمومی، نگهداری فضای سبز پارکها و میادین، نگهدانی از تاسیسات و ماشین‌آلات و سایر فعالیت‌های عمومی) برابر قیمت فهرست بها سازمان پسماند تعیین شده مشاور از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط با نازلترین قیمت به شرح ذیل واگذار نماید.

- ۱- قیمت پایه (با احتساب حقوق و مزایا عیدی و سنوات و هزینه جانیی جهت شرکت در مناقصه به مبلغ ۲۷۵/۲۷۵/۴۴/۹۷۳/۶۰۰ ریال می‌باشد.
- ۲- شرکت‌کنندگان در مناقصه می‌بایست مبلغ ۰۰۰/۶۸۰/۲/۴۸/۲ ریال بابت سپرده شرکت در مناقصه به حساب ۰۹۳۷۳۵۴۰۰۹۱۰۱ این شهرداری نزد بانک ملی شعبه لوندویل واریز و یا ضمانتنامه بانکی را در پاکت در بسته و مهر شده به دبیر خانه شهرداری لوندویل تسلیم و رسید دریافت نمایند.
- ۳- شرکت‌کنندگان در مناقصه می‌بایست تا تاریخ ۱۳/۰۶/۱۴۰۵ سامانه SETADIRAN.IR (سامانه ستاد دولت الکترونیک) مراجعه و ثبت‌نام نمایند و پاکت‌های الف، ب، ج را تکمیل نمایند.
- پاکت الف: ضمانت نامه: ضمانت‌نامه را اسکن کرده و به صورت الکترونیکی در سامانه ستاد بارگذاری نمایند. و در صورت امکان فقط پاکت الف را به صورت فیزیکی تا تاریخ ۱۳/۰۶/۱۴۰۵ پایان وقت اداری به شهرداری لوندویل تحویل نمایند.
- پاکت ب: مجوزهای خواسته شده را اسکن کرده و در سامانه بارگذاری نمایند.
- پاکت ج: قیمتهای پیشنهادی: فرم مربوط به قیمتهای پیشنهادی را از سامانه پرنیت گرفته تکمیل و در سامانه بارگذاری نمایند.

۴- تاریخ انتشار روزنامه نوبت اول: ۱۹/۰۵/۱۴۰۵

تاریخ خرید مناقصه از تاریخ ۱۹/۰۵/۱۴۰۵ لغایت ۱۰/۰۶/۱۴۰۵

تاریخ بارگذاری در سامانه از تاریخ ۱۹/۰۵/۱۴۰۵ لغایت ۲۲/۰۶/۱۴۰۵

- ۵- برنده مناقصه حق انصراف نداشته و در غیر اینصورت سپرده وی به نفع شهرداری ضبط و با نفراط دوم و یا سوم قرارداد منعقد خواهد شد.
- ۶- مدت قرارداد ۶ ماه از تاریخ ۰۱/۰۷/۱۴۰۵ لغایت ۲۹/۱۲/۱۴۰۵ می‌باشد.
- ۷- دارا بودن سابقه کار حداقل به مدت ۲ سال و اخذ صلاحیت از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای برنده مناقصه الزامی است.
- ۸- پیمانکار موظف است با نظارت شهرداری ضمن نظافت کلیه خیابان‌ها و کوچه‌ها و کانال‌های محدوده خدماتی شهر لوندویل و جمع‌آوری زباله از خیابان‌ها و کوچه‌ها اعم از آسفالت و خاکی زباله‌های جمع‌آوری شده را به محل دفن زباله ها حمل نمایند. و همچنین حفظ و نگهداری فضای سبز شهری بر عهده پیمانکار گذاشته می‌شود.
- ۹- در صورت قصور در انجام وظایف و نظافت سطح شهر در صورت شکایت مردمی و نیز گزارش ناظر دال بر تایید موضوع، پیمانکار موظف به پرداخت جریمه مقرر توسط شهرداری بوده و پیمانکار حق اعتراض به تشخیص مبلغ تعیین شده مقرر از طرف شهرداری را نخواهند داشت و در صورت تکرر بیش از ۱۰ مورد شهرداری مجتار به لغو یک جانبه قرارداد خواهد بود.
- ۱۰- تأمین پرسنل مورد نیاز جهت کارهای خدماتی به عهده پیمانکار می‌باشد. و با توجه به سابقه امر، پیمانکار نباید کمتر از ۲۳ نفر استخدام نماید و اولویت استخدام با کارگرانی که در سنوات گذشته با شهرداری سابقه همکاری داشته باشد و کلیه پرسنل الزاما باید به تایید شهرداری برسد.

- ۱۱- مسوولیت وقوع هرگونه حوادث در حین کار به نیروهای بکار گرفته شده توسط پیمانکار و پاسخگویی به مراجع قانونی به عهده پیمانکار می باشد.
- ۱۲- رعایت مقررات قانونی کار و آئین‌نامه‌های ایمنی بهداشتی کار و ضوابط و پرداخت حقوق و مزایا، عیدی و پاداش، حق سنوات، مزایای مرخصی ذخیره، و غیره کلا به عهده پیمانکار می‌باشد و شهرداری هیچ مسوولیتی در این خصوص نخواهد داشت.
- ۱۳- پیمانکار موظف است نیروهای کار مورد نیاز را روزانه تأمین نماید و استفاده از مرخصی‌های استحقاقی و استعلاجی و غیره توسط نیروهای به کار گرفته شده پس از موافقت کارفرما خواهد بود و در صورت مرخصی بودن افراد، قرار دادن افراد جانشین در اسرع وقت توسط پیمانکار الزامی است.
- ۱۴- شرکت‌کننده می‌بایست پس از مطالعه کامل مفاد فهرست بها اعلام شده نسبت به اعلام قیمت اقدام نماید.
- ۱۵- و در ضمن شهرداری لوندویل دارای ماشین آلات حمل زباله به تعداد چهار دستگاه می‌باشد که برنده مناقصه در صورت توافق نسبت به اجاره ماشین‌آلات شهرداری لوندویل اقدام نماید.
- ۱۶- شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات پیمانکاران مختار است. و پیشنهاددهنده حق هیچگونه اعتراضی ندارد.
- ۱۷- کلیه هزینه آگهی و کارشناسی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد. لذا بدین‌وسیله از کلیه متقاضیان دعوت می‌شود در صورت تمایل به شرکت در مناقصه پیشنهادات خود را تا تاریخ مقرر در آگهی به دبیر خانه شهرداری لوندویل ارایه و رسید دریافت نماید. ضمنا کلیه پیشنهادات واصله راس ساعت ۱۳ مورخه ۱۳/۰۶/۱۴۰۵ و نتیجه آن اعلام خواهد شد.

داریوش گرم‌زاده – شهردار لوندویل

امروز و هرروز با

گیلان امروز

۰۱۳۳۲۲۶۸۱۱۵ ۰۱۳۳۲۲۶۸۱۱۳

Gilan-today.com

سفرنامه

سفرهای مم کاظم! از صفر تا ...

(ادامه سفر نهم)



کاظم شکوهی

حالا حدود ساعت یک بعدازظهر است و من برای اولین بار رشت را می بینم، شهر چندان مدرنی نیست اما به غایت صمیمی و ساده. رطوبت هوا زیاد بود و برای یک آدم جنوبی که از منطقه خشک برای اولین بار وارد منطقه‌ی مرطوب شده کمی غیرمنتظره بود، تصورمان از رشت این بود که با توجه به اینکه بالاترین بارندگی را دارد حتما شهری است پردرخت و فضای سبز انبوه در حالی که شهر را در حدی لخت و خالی از درختان انبوه و عرصه‌های فضای سبز دیدم، ساعت یک بود و رفتیم برای ناهار.

آقای بهمنش وعده داد که غذاخوری خوبی سراغ دارد چلوکبابی سلامت. چلوکبابی سلامت نزدیک شهرداری بود و ما وارد شدیم به طبقه دوم رفتیم چلوکباب برگ خوردیم، جالب اینکه در آن غذاخوری غذای دیگری مانند پلاکیاب و خورشت‌های مشهور رشت که البته آن وقت نمی‌شناختم هم به ما پیشنهاد نشد. بعد متوجه شدم که در آن زمان چلوکبابی سلامت واقعا مشهورترین غذاخوری به حساب می‌آمد، بعد از ناهار و بدون معطلی عازم شدیم از چند آبادی مناسب خمام و آبادی‌های سرسبز بین رشت تا انزلی گذشتیم و در شهر بندرپهلوی (انزلی) از خیابان مرکزی آن گذشتیم به نظرم کسب و کار و زندگی در بندر پهلوی را پررونق‌تر از رشت دیدیم، فرصت گشت و گذار در انزلی نبود چشم‌انداز بندر و دریا و چند کشتی نه چندان عظیم و طبق‌های عرضه ماهی در کنار خیابان‌ها چشم‌گیرترین مناظر این شهر بود. پس از خروج از انزلی به نحو محسوس تراکم سبزه و درختان را کم و کمتر دیدیم تا گذر از رضوانده (رضوانشهر) و بعد هشتر که فرصت دیدار نداشتیم و کم توجه عبور کردیم. تا ساعت ۶ بعدازظهر که رسیدیم به استارا. استارا به دلیل مرزی بودن و همجواری با اتحاد جماهیر شوروی برای ما جذابیت خاصی داشت ولی فرصت گشت و گذار نبود قرار شد در بازگشت از اردبیل ناهار در استارا (چلوماهی) بخوریم. فراز خاطره‌انگیز این سفر این بود که وقتی در هوای مه‌آلود از گردنه حیران که سخت بدراه و خطرناک بود، عبور می‌کردیم یک باره آقای بهمنش به سختی ماشین را به کنار کوه، روی شانه‌ی جاده نگه داشت و پیاده شدیم.

وقتی در گردنه حیران از ماشین پیاده شدیم آقای بهمنش با لحنی حسرت آلود در حالی که آن طرف رودخانه استاراجای را نشان می‌داد گفت: شکوهی ببین این طرف (ایران) ما در جهنم زندگی می‌کنیم و آن طرف (مقصود شوروی) بهشت است. سوال کردم: مگر شما آن طرف رفته‌اید؟ گفت نه ولی می‌دانم جایی که فقر نباشد، فساد نباشد، بیکاری نباشد، همه از نظر مسکن تأمین باشند، فحشا نباشد، پارتی‌بازی نباشد و بیکاری نباشد خُب بهشت است. و ادامه داد همه‌ی این مواهب از استقرار حزب کمونیست و استقرار دولت سوسیالیستی به وجود آمده! من البته حرفی نداشتم که بزنم کمی تاسف از وضع خودمان و مقادیری حسرت آن بهشتی که پشت سیم خاردار مرزی به نام اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی گسترده بود.

لحظاتی بعد راه را ادامه دادیم تا ساعت ۷/۵ بعدازظهر به اردبیل رسیدیم، موکل پرونده اردبیل در ورودی شهر منتظر ما بود و پس از تعارفات معمول ما را به هتل برد و در هتل هم پس از استراحتی کوتاه و صفا دادن سر و رو برای دیدن شهر بیرون آمدیم، آقای بهمنش اردبیل را بارها دیده بود ولی من برای اولین بار بود که اردبیل را می‌دیدم. در آن غروب پاییزی اردبیل البته سرد بود ولی شهر شلوغ و درهم بود و مرتب مغازه‌هایی بود که ما را به خوردن آش دوغ دعوت می‌کردند، و به هر حال دو کاسه آش دوغ خریدیم. آقای بهمنش با ولع آش را خورد، به نظر من اما آش دوغ اردبیل همه چیز بود جز آش، تصویری که از آش داشتم، معجونی از حبوبات و سبزی و ... بود با غلظت مشخص که آش دوغ اردبیل هیچ نسبتی با این تعریف نداشت چند نخود سرگردان در آب دوغی نیمه گرم!!

شام را در هتل کیاب با نان خوردیم که خوب بود و فردا صبح پس از صبحانه معمول، نیمرو و پنیر و چای و دادگاه رفتیم، آقای بهمنش علاوه بر ارایه لایحه دفاعی توضیحات مبسوطی هم به قاضی داد والتهایه ساعت حدود ۱۲ کارمان در ادبیل تمام شد و به طرف استارا عزیمت کردیم در استارا در یک رستوران نسبتا تمیز چلوماهی سفید خوردیم که مطبوع و مطلوب بود دوری در شهر زدیم، نزدیک مرز و گمرک مرزی رفتیم رفت و آمد چندانی نبود و باز حسرت بهشت دنیای سوسیالیسم که در آن طرف بود و ما که در جهنم! این طرف بودیم!!

(سفر ادامه دارد...)